

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ویکم، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۷-۵۲

ریشه‌ها و اشکال طلسمات مصور در فرهنگ اقلیت‌های یهودی و بازتاب آن در منابع اسلامی

نگار ذیلابی^۱

چکیده

یهودیان در سحر و انواع مختلف فنون و روش‌های آن تبحر داشتند و در فرهنگ جوامع مسلمان هم با ویژگی رازآمیزی ساحرانه و توانایی‌های فراطبیعی جادوگرانه شناخته می‌شدند. از انواع مختلف سحر، طلسمات در جوامع یهودی و مسلمان رواج بیشتری داشت و پایه و اساس اصلی آن را تصاویر انسانی و حیوانی شکل می‌داد. با توجه به چنین جایگاهی، بازشناسی طلسمات مصور یهودیان در میان فرهنگ اسلامی مسئله‌ی مقاله‌ی حاضر است. پرسش این است که ریشه‌ها و اشکال طلسمات مصور در فرهنگ یهودیان جوامع مسلمان چیستند؟ برای پاسخ، بر اساس رویکرد تاریخ فرهنگی، شواهد مختلف به‌کارگیری صورتگری در طلسمات یهودی در منابع متقدم یهودی و اسلامی بررسی شده و تداوم آنها در جوامع یهودیان ذمی ساکن سرزمین‌های اسلامی نشان داده شده است.

واژه‌های کلیدی: سحر، طلسمات مصور، صورتگری، یهودیان، ذمیان

۱. استادبار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی. (n_zeilabi@sbu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۹/۱۸

مقدمه

سنت‌های مختلف جادویی در بیشتر سرزمین‌های ایران، مصر، شام، شمال آفریقا، حجاز، هند و ... که در سده‌های میانه تحت قلمرو اسلام بودند، سابقه‌ای بس کهن دارد. رساله‌ها و نسخ خطی متعددی از ادوار کهن درباره‌ی سنت‌های جادویی این مناطق برجای مانده است.^۱ با این که اطلاعات درباره‌ی منابع و رساله‌های مرتبط با جادوگری و طلسمات پیش از اسلام محدود است، تداوم ادبیات مربوط به طلسمات و دیگر امور جادویی در میان اعراب مسلمان نشانگر تعدد سرچشمه‌های کهن و نیرومندی این گفتمان در حوزه‌ی علوم موسوم به «غریبه/خفیه» است که یکی از مهم‌ترین آنها را تداوم سنت‌های یهودی در امور جادویی در فرهنگ و جوامع اسلامی دانسته‌اند. *الفلاحة النبطية* ابن وحشیه (نیمه‌ی دوم سده‌ی سوم هجری)؛ *غایه الحکیم مسلمة مجریطی* (سده‌ی چهارم) و رسائلی از ابوالعباس بونی (سده‌ی هفتم) از مهم‌ترین و مشهورترین منابع در این حوزه‌اند. در میان تحقیقات جدید هم این دسته از موضوعات مورد توجه قرار گرفته است. کتاب *جادو و دین در شمال آفریقا* نوشته‌ی ای. دوتته^۲ از قدیم‌ترین آثار پژوهشی درباره‌ی این سنت‌های جادویی در بخش وسیعی از این مناطق است. در پژوهش‌های متعدد تاریخی و فرهنگی درباره هر یک از این مناطق نیز این مبحث به طور مستقل و یا در ضمن مباحث کلی‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.^۳

۱. برای نمونه رساله‌ی کوتاهی به زبان عربی درباره‌ی فرشته‌شناسی و اعمال جادویی مرتبط با این مفهوم موجود است که به اندهریوش بابلی (Andahariush) نسبت داده شده است (موجود در کتابخانه‌ی پاریس با شماره‌ی ۲۶۳۰)؛ از میان منابع کهن رساله‌ی دیگری منسوب به چراسیم ساحره‌ی هندو آمده است و او نیز در مآخذ خود از کتابی کهن تألیف الاسوطاس (Al-Osutas) یاد کرده است (برای اطلاع بیشتر ر.ک.: کارا د وو، (۱۳۸۷)، «افسون‌ها و تعاویذ...»، در: موسی‌پور، دوازده+یک، تهران: کتاب مرجع، ص. ۹۰-۸۹).

2. Doutte, E., (1909), *Magie et religion dans L'Afrique du Nord*, Algiers.

۳. برخی از مهم‌ترین آثار درباره‌ی سنت‌های جادویی در این مناطق عبارت‌اند از:

Cho'aib, Abdes Salam b., (1905), *Netes sur les amulettes chez les indigenes algeriens*, Telemcen; Phillott, D. C., and Shirazi, M. K., 'Notes on Certain Shi'ah Tilisms', *Journal of the Asiatic Society of Bengal* N.S. 2 (1906), pp. 534-7; Ritter, H., (1923), *Ein Arabisches Handbuch hellenistischer Magie*, Warburg; Torndike, L., (1923), *A History of Magic and Experimental Science*, New York; Taylor, W. R., (1935), *An Arabic Amulet*, in MW, xxv;

با این همه، با رویکرد تاریخ فرهنگی کمتر به این موضوع به خصوص درباره‌ی یهودیان ذمی نگریسته شده است. این در حالی است که با توجه به غلبه‌ی فرهنگ اسلامی در جوامع این جغرافیای گسترده، که پیش‌تر مسلمان یا عرب نبودند، صورت‌بندی اجتماعی و فرهنگی جدیدی شکل گرفت که منجر به تغییر جایگاه‌ها و نقش‌های فرهنگی جوامع اقلیتی مانند یهودیان شد. در عین حال، برای یهودیانی که در جامعه‌ی جهانی جدیدی در این جغرافیا با سلطه‌ی فرهنگ اسلامی و فرهنگ مسیحی مواجه بودند، مسئله‌ی تداوم و تعامل فرهنگی تبدیل به مسئله‌ای اساسی شده بود. تعریف جایگاه و نقش این اقلیت قدیمی از چشم‌انداز نظام‌های فرهنگی جدید نیز رویه‌ی دیگر این موقعیت تاریخی و مسئله‌ای برای مبادلات میان فرهنگی بین جامعه‌ی اقلیت یهودی و جامعه‌ی اکثریت مسلمان شده بود. بحث جادوگری و طلسمات از چشم‌انداز چنین وضعیت فرهنگی بین یهودان و مسلمانان کارکرد و معنای دیگری پیدا می‌کند که موضوع مقاله‌ی حاضر است.

البته باید به این نکته نیز به عنوان یک چارچوب مفهومی توجه داشت که در تحلیل تصاویر انسانی و حیوانی به‌جامانده از تمدن‌های کهن، مرزهای اسطوره و عقاید عامیانه‌ای که کاربرد عملی در زندگی روزانه بشر داشته‌اند (مانند سحر و طلسمات) همچنان امری مبهم است. در فهم این تصاویر نمی‌توان به درستی تشخیص داد که کدام یک از آنها در همان زمان معین در زندگی روزمره و مثلاً در عملیات جادویی استفاده می‌شده و کدام تصاویر نمادهایی اسطوره‌ای و تاریخی تلقی می‌شده و در شمار سنت‌های کهن فراموش شده به شمار می‌رفته است. با این که در بسیاری از پژوهش‌های آیکونوگرافیک تحلیل این تصاویر و رمزگشایی از آنها بسیار معمول است و کتاب‌ها و آثار مربوط به تمدن‌های باستان و آثار هنری باستانی آکنده از تحلیل و تأویل است، فقدان اطلاعات و داده‌های جانبی در باب فرهنگ‌ها و نحوه‌ی فکر و اندیشه و زیست‌بوم فرهنگی مردمان

Donaldson, Bess A., (1938), *The Wild Rue: A study of Muhammadan Magic and Folklore in Iran*, London; Matton, S., (1977), *La magie arabe traditionnelle*, Paris; Fodor, A., (1992), *Amulets from the Islamic world*, Budapest; Burnett, C., (1996), *Magic and Divination in the Middle Ages, Texts and Techniques in the Islamic and Christian World*, Ashgate Publishing.

باستان در تمدن‌های گوناگون امکان مطالعات دقیق در این حوزه را سلب کرده و هر تحلیل با صدها اما و اگر و تردید مواجه است.^۱ بازسازی بافت فرهنگی هر دوره و هر منطقه برای یافتن دلالت معنایی نقوش و کشف فضای مؤثر در شکل‌گیری و کاربرد این نقوش از لوازم و ضروریات مباحث آیکونوگرافی است. از این رو در این پژوهش فقط به مواردی که بتوان برای آن زمینه‌ی فرهنگی نسبتاً روشنی ترسیم کرد توجه شده است. بر همین اساس، روایت‌های منابع تاریخی دوره‌ی اسلامی به مثابه‌ی نشانه‌ای از نظام معنایی فرهنگ مسلمانان در نظر گرفته شده است تا بتوان جایگاه و تصویر جامعه‌ی یهودیان در فرهنگ مسلمانان و معنای آن را استخراج کرد.

در این پژوهش پرسش اصلی این است که ریشه‌ها و اشکال طلسمات مصور در فرهنگ یهودی چگونه بوده است؛ صورتگری در طلسمات یهودی چه جایگاهی داشته و این سنت‌های جادویی و طلسمات مبتنی بر صورتگری چگونه در جوامع یهودی ذمی ساکن در سرزمین‌های اسلامی تداوم یافته است؟ در این مقاله نشان داده خواهد شد که عمده‌ی سنت‌های کهن مرتبط با طلسمات مصور در میان یهودیان و سپس در میان مسلمانان تداوم یافته است. به عبارت دیگر، جوامع یهودی میراث‌دار این سنت‌های کهن بودند و گروه‌های یهودی ذمی که در سرزمین‌های اسلامی می‌زیستند مهم‌ترین حلقه‌ی واسط انتقال این سنت‌ها به جوامع اسلامی بودند. به همین دلیل، تصویر یهودیان در فرهنگ جوامع مسلمان با رازآمیزی سحر و جادو در هم آمیخته است. از همین رو، به عنوان مفهوم

۱. ما دقیقاً نمی‌دانیم وقتی برای مثال در تفسیر تصاویر یافت‌شده در جیرفت هزاره‌ی سوم قبل از میلاد تصویر شیر پلنگ و دیگر گربه‌سانان را نماد شجاعت، دلیری، قدرت، توان جنسی، باروری و ... تحلیل می‌کنیم و مثلاً مار را نماد باران، رود، باروری، حاصلخیزی و ... آیا مردمانی که سه‌هزار سال پیش از میلاد مسیح در این منطقه از ایران می‌زیسته‌اند هم فکری شبیه تصور کنونی ما داشته‌اند؟ آیا آنها این تصاویر را این گونه می‌فهمیده‌اند؟ این تصاویر چه کاربردی در زندگی آنها داشته است؟ اگر چنین است، در همین مثال ساده، تصویر دیگری که از جنگ و جدال پلنگ و مار در همین آثار جیرفت به دست آمده نماد چیست؟ اگر تفسیر و تحلیل‌های ما درست باشد، چرا نماد قدرت و باروری با نماد باران و حاصلخیزی سر جنگ داشته است؟ در باره همین مثال با پرسش‌های بی‌پاسخ مواجه هستیم و در حقیقت فقط با حدس و گمان و گاه تطبیق‌هایی که خود مبنای روشنی ندارند دست به تحلیل و تفسیر می‌زنیم.

اصلی این مقاله، ابتدا به ارائه‌ی توضیحاتی درباره‌ی مفهوم و مصداق طلسمات می‌پردازیم.

۱. طلسمات: تبار و اشکال

از میان انواع سحر، طلسمات^۱ مصور، به جهت اعتقاد بر تأثیر سریع‌تر و نافذتر، از دیرباز کاربرد بیشتری داشت: طلسمات مصور آن دسته از طلسم‌ها بود که به شکل تصویری مسطح یا برجسته به صورت تمثال/مجسمه ساخته می‌شدند و بر پایه‌ی این بنیان تصویری عناصر دیگری مثل حروف مقطعه، کلمات مفهوم یا نامفهوم بر آنها افزوده می‌شد و معمولاً با در نظر گرفتن اقتران با کواکب و موقعیت‌های نجومی اجرا می‌شد. به عبارت دیگر، طلسم عبارت است از نوشته‌ای با علائم اخترشناسی یا دیگر علائم و صور جادویی؛ یا شیئی که چنان نوشته‌ای بر آن باشد؛ همچنین مجسمه‌هایی که اشکالی از صور فلکی یا دایرة‌البروج یا تصاویری حیوانی و انسانی، به مثابه‌ی ترفندهای جادویی، با هدف مداخله در امور عالم برای اضرار به غیر یا محافظت و صیانت از شرور، بر آنها حک شده باشد^۲ در شمار رایج‌ترین طلسمات هستند. صرف‌نظر از حدس‌هایی که در باب کاربرد طلسمی برخی مجسمه‌ها و تصاویر در تمدن‌های آشور و سومر و بابل و ... می‌توان طرح کرد،^۳

۱. طَلِسم، طَلِسم مأخوذ از واژه‌ی یونانی طلسم است به معنای تکمیل کردن یک آیین مذهبی.

۲. روسکا و دیگران، «طلسم در فرهنگ عربی و اسلامی»، در: *دوازده*، یک، ابراهیم موسی پور، تهران: کتاب مرجع، ص. ۵۱.

۳. کاربرد نقوش حیوانی یا ترکیب انسان حیوان در تمدن‌های باستانی سابقه‌ای کهن دارد. برخی از این نقوش مثل ایزدبانوهای ایزیس و توت در مصر، آفرودیت در یونان، آناهیتا و اشی در ایران شهرت دارند. صرف‌نظر از نمادشناسی‌های رایج، به نظر می‌رسد وجه مشترک بیشتر این تصاویر باور به قدرت‌های ماوراء طبیعی و فوق بشری آنها در رفع نیازهای بشری بوده است. برخی از این تصاویر باستانی در نقوش طلسمی متأخرتر هم کاربرد داشت. برای نمونه، مهرهایی در شوش متعلق به هزاره‌ی سوم پیش از میلاد یافت شده که ایزدبانوهایی به شکل شیرهای ماده با فرم انسانی و یا ایزدبانویی سوار بر روی نوعی گربه‌سان را نشان می‌دهد (رفیع‌فر، جلال‌الدین، ملک، مهران، «آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت (هزاره‌ی سوم قبل از میلاد)»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی/ایران*، ش. ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص. ۱۹). این فرم‌ها به ویژه بانوی سوار بر شیر در نقوش طلسمی دوره‌های متأخر هم دیده می‌شود که می‌توان در پژوهش مستقلی به آن پرداخت.

نمونه‌های قابل اطمینان‌تر را نزد اقوام نبطی، لخمی‌های عربستان سنگی و همسایگان شامی و مصری آنها (منطبق با فلسطین و سوریه و مصر امروزی) می‌توان یافت. این موارد در مجموعه‌های برج‌مانده از طلسم‌ها مربوط به مجسمه‌هایی با اشکال مختلف حیوانی از جمله شکل سر گاو، مار و لاک‌پشت است که به اواخر هزاره‌ی اول پیش از میلاد باز می‌گردد.^۱ همچنین تصاویر بخش‌هایی از بدن انسان مثل دست (پنجه/خمسه) و کاربرد جادویی آن سنتی بسیار کهن است که دست‌کم در زمان اقوام فینیقی کارتاژی، نماد تانیت^۲ الهه‌ی ماه بوده است. همچنین در سنت‌های جادویی، طلسم‌هایی وجود داشته که در اصل به شکل انسان و دیو بوده و درون بدن این تصاویر را از اوراد و دعاهایی در ارتباط با هدف طلسم و یا با حروف و اعدادی مبهم پر می‌کرده‌اند.^۳

نکته‌ی مهم و قابل توجه این است که بسیاری از این نمادها بعدها در میان یهودیان ساکن در این سرزمین‌ها تداوم یافت. برای نمونه، نماد فینیقی-کارتاژی خمسه/پنجه در میان یهودیان به میریام خواهر موسی و هارون نسبت داده شد و از جمله نمادهای پربسامد و تأثیرگذاری بود که در دوره‌های بعد در سنت‌های تعویذی اسلامی هم راه یافت.^۴ صرف نظر از تطور معنایی و تغییر دلالت‌ها در دوره‌های مختلف، تداوم اصل این نقوش از اساطیر باستان تا طلسم‌های متأخر مسئله‌ی مهمی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

۲. جادو و طلسمات در میان یهودیان

یهودیان از دیرباز به تبحر در امور سحر و جادو شهره بودند. با این که تورات مؤمنان را از سحر بر حذر داشته^۵ و مجازات‌های سختی هم برای ساحران در نظر گرفته، سنت یهودی در همه‌ی ادوار آکنده از سنت‌های جادوگری است.^۶ بی‌شک معجزات موسی (ع) که

۱. تناولی، پرویز، (۱۳۸۵)، *طلسم، گرافیک سنتی ایران*، تهران: بن‌گاه، ص. ۱۰-۶.

2. Tanit

۳. برای نمونه، رک.: «نقش دیو و انسان در هفت پیکر سلیمانی»، به نقل از: *طلسم، گرافیک سنتی ایران*، ص. ۶۱، تصاویر شماره ۳۹ و ۴۰.

۴. موسی‌پور، ابراهیم، «خمسه»، *دانشنامه جهان اسلام*.

۵. رک.: مقار، شفیق، (۱۹۹۰)، *السحر فی التوراة و العهد القدیم*، لندن.

6. Bohak, Gideon, (2008), *Ancient Jewish Magic: a History*, Cambridge University Press, p. 166.

جملگی مشابه کارهای سحرآمیز شناخته شده است و اعتقاد یهودیان به اعمال سحرآمیز دیگر انبیاء همچون سلیمان نبی (ع)^۱ نیز در تداوم این سنت در میان یهودیان و حتی بعدها در میان دیگر اقوام و ملل بی‌تأثیر نبوده است.^۲ تأیید استفاده از طلسم‌های تعویذی در تلمود، که به منظور محافظت در مقابل شرور و آسیب‌ها مشروع تلقی می‌شدند، از زمینه‌های عمومیت یافتن این فرهنگ و ترویج باورهای مرتبط با آن در میان یهودیان بوده است.^۳ در نسخه‌های مصوری که درباره‌ی آیین‌ها و آداب سبت برجای مانده تصاویر متعددی از محافل جادوگران ثبت شده است. در برخی از این تصاویر جشن سبت به شکل محفلی از جادوگران ثبت شده که زنان و مردان ساحر کنار شیاطین بر سر سفره‌هایی نشسته‌اند و موجودات شاخدار برهنه‌ای از آنها پذیرایی می‌کنند.^۴ همچنین روایات مصوری در منابع عبری هست که نشان می‌دهد یهودیان معتقد بوده‌اند شیاطین در یافتن محل گنج‌ها ساحران را مدد می‌کرده‌اند.^۵

در این سنت‌های جادویی همواره «تصویر»، به ویژه تصاویر انسانی و حیوانی و اجزای بدن آنها، از عمده‌ترین عناصر زیربنایی شکل‌دهنده به ساختار فرمی جادوها به ویژه طلسمات به حساب می‌آمده است. در قدیم‌ترین نمونه‌های ظروف سرامیکی یافت شده در حفاری‌های مناطق سوریه، فلسطین و بین‌النهرین باستان، کاسه‌های منحصر به فردی یافت شده که درون کاسه با متون طلسمی و جادویی و نیز تصاویر ساده‌ی انسانی پوشیده شده

۱. ابن عساکر، (۱۴۱۵)، تاریخ مدینه دمشق، ج. ۲۲، چاپ علی شیری، بیروت: دارالفکر، ص. ۲۵۷؛ یهودیان اقدام سلیمان به ساختن تمائیل را به عنوان اقدام به امور سحرآمیز تلقی کرده‌اند. در میان مسلمانان هم برداشت مشابهی از آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی سبا وجود دارد. در کنار تأویل‌ها و اختلاف نظرهای مختلف، برداشت مثبتی هم صورت گرفته که گویی می‌توان ساختن تمائیل به دست دیوان برای سلیمان را به معنای تأیید ضمنی تمثال‌سازی جادویی پنداشت.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، تاریخ (دیوان المتداء و الخیر...)، ج. ۲، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ص. ۸۲؛ ای. فدور در مقاله‌ای تحت عنوان «عصای موسی در جادوی عربی» به این مبحث پرداخته است:

Fodor, A., (2004), 'The Rod of Moses in Arabic Magic', in *Magic and Divination in Early Islam*, Emilie Savage-Smith, Ashgate/Variorum, pp. 103-124.

3. Spore, Hans H., "Notes on Jewish Amulet", *Journal of Biblical Literature*, Vol. 23, No. 2 (1904), pp. 97-105.

۴. گلسخی، ایرج، (۱۳۷۷)، تاریخ جادوگری، تهران: علمی، ص. ۳۸۱، ۳۹۵.

۵. همان، ص. ۴۴۶، ۴۵۱.

است.^۱ همچنین تصویر ماهی^۲ و نیز دست (خمسه/پنجه) از کهن‌ترین تصاویری است که در امور مختلف جادویی از جمله امور حمایتی و دعایی (تعویذی) در سنت یهودی وجود داشته است. از این تصاویر در دعا‌هایی مثل شِما، بیرکت‌ها بییت (تبرک خانه)؛ تفیلات هادریخ (تعویذ مسافران) و در تزئینات جعبه و جایگاه تورات در کنیسه‌ها و یا درها و پنجره‌های اماکن مقدس استفاده می‌شد.^۳ همچنین نشان‌های فلکی منطقه البروج از پربسامدترین نقوشی است که در متون طلسمی یهودی کاربرد داشته است.^۴ فقط در مجموعه‌ی ورشو، حدود هزار نمونه از طلسم‌های مصور یهودی که با این نقوش از جمله نشان عقرب، شیر، ماهی، بز، قوچ و ... ترسیم شده‌اند نگهداری می‌شود.^۵ همچنین در مجموعه‌ی برلین طلسم‌های مصور یهودی هست که متأثر از داستان‌های کهن، نقوش آدم و حوا و فرشتگان مکرراً در لابه‌لای متون آنها ترسیم شده است.^۶

یکی از عمده‌ترین خاستگاه‌های جادوی مصور در سنت یهودی در آموزه‌های عرفان قباله/قبالا^۷ بوده که در شاخه‌ای از آن - قبالای عملی - استفاده از

1. Naveh, Joseph, Shaked, Shaul, (1985), *Amulets and Magic Bowls: Aramaic Incantations of Late Antiquity*, Magnes Press, Hebrew University.
2. Sabar, Shalom, 'The Image of Joseph in the Folklore and Art of Sephardi Jews and the Jews in the Lands of Islam', *Journal of the study of the Bible and its World*, Jerusalem, 2010, pp. 189-191.
3. Kass, Alvin, (1978-1982), 'Torah Ornaments', *Encyclopaedia Judaica*, Vol. 9, Jerusalem: Keter Publishing House, p. 125.

همچنین در «خمسه». برای بررسی تداوم برخی نمادهای جادویی یهودی در سده‌های میانه نیز رک.:

Ancient Jewish Magic: a History, p. 166.

4. Gaster, M. (ed.), (1928), *The Wisdom of the Chaldeans: An Old Hebrew Astrological Text*, in *Studies and Texts in Folklore, Magic, Mediaeval Romance, Hebrew Apocrypha and Samaritan Archaeology*, London, pp. 338-355; Kotansky, Roy, 'Two Inscribed Jewish Aramaic Amulets from Syria', *Israel Exploration Journal*, Vol. 41, No. 4 (1991), pp. 267-281.
5. Deluga, Waldemar, 'Jewish Printed Amulets', *Print Quarterly*, Vol. 20, No. 4 (December 2003), pp. 369, 371-372.
6. *ibid*, p. 369-370.

همچنین مجموعه‌ی جالبی از پاپيروس‌های حاوی جادوی مصور مربوط به اوایل سده‌ی چهارم میلادی به دست آمده که در مجموعه‌ی میشیگان منتشر شده است:

Betz, Hans Dieter, 'Fragments from a Catabasis Ritual in a Greek Magical Papyrus', *History of Religions*, Vol. 19, No. 4 (May 1980), pp. 287-295.

7. Dan, Joseph, (2006), *Kabbalah: A Very Short Introduction*, Oxford University Press, p. 25-27; Bloom, Maureen, (2007), *Jewish Mysticism and Magic: an Anthropological Perspective*, London & New York: Routledge, p. 27-30; Scholem, Gershom, (1962), *Origins of the Kabbalah*, Berlin, p. 199-365.

کابالا/قبالا مشهورترین سنت عرفانی یهودی و حلقه واسط میان سنت قدیم تر مرکاوا/مرکابا و سنت متأخر حسیدی است. کابالا تفسیر سری و باطنی اسفار پنجگانه‌ی تورات است که سنت شفاهی آن از سده‌ی یازدهم میلادی در میان یهودیان اسپانیا و جنوب فرانسه رایج گردید و پس از آن در حدود سده‌های سیزدهم و چهاردهم مکتوبات رازآمیز و عرفانی درباره‌ی کتاب مقدس پدید آمدند. مشهورترین کتاب این

جادوی سفید^۱ مجاز دانسته شده است.^۲ در قرون وسطی، برخی از ربی‌های یهود (علمای یهودی و مفسران تورات) معتقد بودند که خاک انسان در ابتدا به شکل موجودی بدون فرم و روح به نام «گولم» است و خدا با دمیدن روح خود آن را زنده می‌کند. همچنین این گروه یهودی اعتقاد داشتند که ربی‌ها هم قادرند با استفاده از کلمات و حروف عبری گولم خلق کنند. سفر یتیزیرا^۳ نخستین کتابی است که به طور مشخص درباره‌ی خلق گولم توسط حروف عبری سخن گفته و حاوی روایاتی است که بر اساس آنها ربی‌ها توانسته‌اند گولم انسان و یک گاو را خلق کنند. بعدها، به رغم نهی برخی از عرفای یهودی قباله، مانند هآری‌ها کودش، آری مقدس، آریزال، اسحق بن سلیمان لوریا (۱۵۳۴-۱۵۷۲ م.)، سنت‌های جادویی و طلسمی مصور در قباله‌ی عملی در میان یهودیان همچنان تداوم یافت. شکل دیگری از تقدس مجسمه‌ی انسانی و ارتباط آن با امور جادویی و توانایی‌های خارق‌العاده‌ی چون پیشگویی، در میان گروه‌هایی از یهودیان، در اعتقاد به آموزه‌ی «ترافیم» قابل بررسی است: ترافیم^۴ مجسمه‌هایی کوچک به هیئت انسانی بودند که فالگیران و ساحران یهودی در زمان ویژه‌ی با نیتی معین می‌ساختند و به واسطه‌ی آنها می‌توانستند درباره‌ی آن موضوع معین پیشگویی کنند. در حقیقت، به اعتقاد آنها این مجسمه‌ها واسطه‌ی میان عالم واقع و ماوراءالطبیعه بودند و می‌توانستند ژرف‌ترین اصوات

سنت عرفانی «زوهر» متنی رازآمیز و منسوب به شخصی به نام موسی دی لئون (۱۲۴۰-۱۳۰۵) است. بخش عمده‌ای از هسته‌ی اصلی قبالا در دو بخش خداشناسی و خودشناسی حول محور رموز حروف و اعداد و نجوم و تأثیر امواج و انوار ساطع از ستارگان و سیارات بر زندگی انسان است.

۱. جادوی سفید به آن دسته از جادوها اطلاق می‌شد که برای دفع شر و یا محافظت در مقابل شرور مورد استفاده قرار می‌گرفت، در مقابل جادوی سیاه که تهاجمی بود و به منظور آسیب رساندن به دیگران طراحی می‌شد.

2. Greer, John Michael, (1996), *Paths of Wisdom: The Magical Cabala in the Western Tradition*, Minnesota, USA: Llewellyn Publications, p. 3-5; Zambelli, Paola, (2007), *White Magic, Black Magic in the European Renaissance*, Leiden, Boston: Brill, p. 87-92.

3. *Sefer Yetzirah*

سفر یتیزیرا از قدیم‌ترین کتب عرفان قباله است که به اعتقاد یهودیان به ابراهیم نبی برمی‌گردد. در این کتاب چگونگی خلق جهان توسط خدای اسرائیل با سی‌ودو راه حکمت مشتمل بر اعداد و حروف عبری توضیح داده شده است.

۴. ترافیم در اصل واژه‌ای عبری است که گاه معادل «بت» ترجمه می‌شود (هاکس، جیمز، ۱۳۷۷)، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر، «ترافیم».

را از ستارگان و کیهان دریافت و معانی و حوادث مربوط به آینده را به ساحران منتقل کنند.^۱ اختصاص یک مجسمه‌ی کوچک (ترافیم) به یک فرد یا یک موضوع آن فرد یا موضوع را از کل هستی منتزع و مستقل می‌ساخت و نیروهای مربوط به آن فرد یا موضوع از عالم بالا در آن مجسمه (ترافیم) جذب می‌شد و ادعای ساحر این بود که قادر است این نیروهای جذب‌شده در ترافیم را بازخوانی کند و از اسرار امر آگاه گردد. این عقاید به ویژه در آموزه‌های ابراهیم بن عزرا^۲ (۴۸۴-۵۶۲ ق. / ۱۰۹۰-۱۱۶۷ م.) در متونی که درباره‌ی احکام نجوم نوشته و ترجمه کرده بازتاب یافته است.^۳ ابن‌گرشوم^۴ از مفسران مشهور تورات در سده‌ی هفتم ق / سیزدهم م درباره‌ی علل تحریم سحر و پیشگویی در تورات نوشته است که استفاده از واسطه‌هایی مثل تصویر و مجسمه در این امور و اعتقاد به این که این تصاویر و تمثال‌ها قادر هستند اصوات ماوراءالطبیعه را دریافت دارند به شرک و بت‌پرستی بسیار نزدیک است.^۵ نوشته‌های او حاکی از این حقیقت است که استفاده از تصاویر و تمائیل در میان ساحران یهودی بسیار متداول بوده است. این آموزه‌ها در جغرافیای وسیعی از اندلس در غرب تا ایران و سرزمین‌هایی چون فلسطین، عراق، مصر و در اکثر جوامع یهودی‌نشین شناخته‌شده و مرسوم بود.

از دیگر مروجان سحر مصور، که آموزه‌های خود را با احکام نجوم و نیروهای کیهانی مرتبط ساخته بود، لوی بن آبراهام ستاره‌شناس و فیلسوف یهودی (سده‌ی هشتم ق. / چهاردهم م.) بود که آموزه‌هایش در فلسطین و مناطق پیرامون آن حتی در سرزمین‌های اسلامی تأثیرات فراگیری برجای نهاد. او معتقد بود که اجرام آسمانی هر یک بر سلامت و بیماری یک عضو معین از بدن انسان تأثیر دارند. همچنین در برخی آثار خود این نکته را تکرار کرده است که هر یک از این سیارات و اجرام آسمانی قادرند با تصویر ویژه‌ای که توسط افراد ماهر در صورت‌نگری کیهانی ترسیم شده باشد، ارتباط برقرار کنند و

1. Schwartz, Dov, (2005), *Studies on Astral Magic in Medieval Jewish Thought*, translated by David Louvish and Batya Stein, Leiden: Brill, p. 140-141.

۲. ابراهام بن مؤیر بن عزرا، مفسر تورات، مترجم آثار عربی به عبری و منجم و ریاضی‌دان یهودی اندلسی بود. او از ۵۳۵ ق. به مدت بیست سال تفسیرهای بسیاری بر عهد عتیق نگاشت.

3. *ibid*, p. 140.

4. Gersonides

5. *ibid*, p. 144-145.

رازهای مربوط به سلامت و بیماری افراد را برملا سازند. همچنین شیوه‌هایی را به اختصار توضیح داده و مدعی است که می‌توان با سلسله عملیاتی (در زمان معین و با تصویر معین) این بیماری‌ها را درمان کرد.^۱ لوی در تبیین این نظریه فقراتی از رساله‌ی در طب را نقل کرده و نشان می‌دهد که این ایده در میان اطباء یونانی هم مقبول بوده است. به نوشته‌ی او جالینوس معتقد بوده که برخی تصاویر و تمثال‌های معین اگر در زمان خاص و به دست افراد ماهر در احکام نجوم ساخته شوند می‌توانند تأثیر شفابخش بر برخی از بیماری‌ها داشته باشند. لوی به نقل از جالینوس نمونه‌ای مشهور در میان ساکنان فلسطین باستان را آورده که گروهی از مردم که به بیماری بواسیر مبتلا بودند، تصاویری را بر صفحات طلائی ترسیم کردند و به این شیوه این بیماری در میان آنها ریشه‌کن شد.^۲ او همچنین با ارجاع دادن به ابن عزرا ایده‌ی ترفیم را هم صحیح و قدرتمند دانسته است.^۳ لوی همچنین مثال‌های متعددی از تصاویر قدرتمند را ذکر کرده است: تصویر طلائی شیر که در زمان برآمدن خورشید به دست منجمی ماهر ترسیم شود برای درمان بیماری‌های کلیه؛ تصویر عقرب برای درمان عقرب‌گزیدگی و صرع؛ تصاویر مگس و برخی حشرات برای در امان ماندن از نیش و آسیب آنها؛ تصاویر ماه و خورشید و اژدها و فرم چهره‌ی انسان و ... هر یک قادر است در مشکلی این‌جهانی مؤثر افتد. تأکید او در تمام این صورتگری‌های مؤثر بر زندگی انسان معین و انجام گرفتن کار به دست منجم متخصص و ماهر است و بدین ترتیب تصاویری را که فاقد این دو شرط باشند فاقد قدرت لازم می‌داند.^۴

یکی دیگر از منابع آگاهی درباره‌ی کاربردها و معانی جادویی تصاویر انسانی و حیوانی در میان یهودیان بررسی سنت‌های کتاب‌آرایی و تذهیب‌ها و تصاویری است که در سده‌های میانه بر حاشیه، متن و ذیل برخی متون مقدس از جمله تورات و تلمود ترسیم شده است. از پربسامدترین تصاویر نقوش حیواناتی مثل گاو، شیر، عقاب، گراز، موجودات بالدار عجیب، فرشتگان، دیوها و اژدهاست.^۵ اکثر این سنت‌های کهن سینه به سینه در میان

1. *ibid*, p. 149.

2. *ibid*, p. 150.

3. *ibid*, p. 151.

4. *ibid*, pp. 152-155.

5. Kogman-Appel, Katrin, (2004), *Jewish Book Art between Islam and Christianity: The Decoration of Hebrew Bibles in Medieval Spain*, Leiden & Boston: Brill, 2004, pp. 16, 35, 47, 48, 49, 51, 59, 60, 61, 73, 83.

یهودیان حفظ و به مثابه‌ی گنجینه‌ای از تجربیات جهان‌شناختی در حوزه‌های ماوراءالطبیعی، شیمی و علم مواد، جادو پزشکی و بخش عمده‌ای از فرهنگ زیسته‌ی یهودی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شد.

۳. عوامل تداوم سنت‌های جادویی در دوره‌ی اسلامی

یهودیان ذمی، که در سرزمین‌های اسلامی تحت حاکمیت‌های مسلمان زندگی می‌کردند، میراث‌دار این سنت کهن جادویی در میان قوم یهود بودند. صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که در روش‌های جادویی میان یهودیان و دیگر اقوام وجود داشت، اتفاق نظر و همسویی مشترک در استفاده از انواع جادو در میان ساکنان پهنه‌ی وسیعی از سرزمین‌های سوریه، فلسطین باستان، ایران، بین‌النهرین، مصر و دیگر همسایگان آنها وجود داشت. در حقیقت این جهان‌بینی مبتنی بر ماوراءالطبیعه و نیز سحر و جادو بود که به عنوان مؤلفه‌ای وحدت‌بخش میان تمام ساکنان این سرزمین‌ها همسویی و هماهنگی عرفی و اعتقادی ایجاد می‌کرد و به عنوان شاخصه‌ی کلان و فراگیر فرهنگی سهم بزرگی در تفسیر جهان و تعیین الگوهای اندیشه و زندگی عرفی داشت. در تقابل با جهان‌بینی و عقلانیت ادیان ابراهیمی، مردمان جهان کافرکیش، تحت تأثیر فلسفه‌های طبیعی، جهان خویش را به شکلی جادویی و رازآمیز تفسیر و تعبیر می‌کردند و تا پیش از گسترش مسیحیت به عنوان یک دین جهانی ابراهیمی، اکثر مردمان جهان باستان به همین شیوه به جهان اطراف می‌نگریستند. در چنین بافت فرهنگی، قطعاً نهی و تحذیر ادیانی چون اسلام و یهودیت و مسیحیت و اعلام حرمت پرداختن به امور جادویی با این که در محدوده‌ی گروه‌هایی از دین‌داران می‌توانست به تدریج نحوه‌ی زندگی‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، در مقیاس کلان قادر نبود در این سبک زندگی و نحوه‌ی تفکر و جهان‌بینی کهن که ریشه در هزاره‌های متمادی داشت تغییرات عمده‌ای ایجاد کند. بر این اساس، زندگی اعراب و نیز دیگر ساکنان غیرعرب پس از ظهور اسلام نیز آکنده از باورهایی بود که ذیل همان جهان‌بینی سابق مبتنی بر سحر و جادو تعبیر و تفسیر می‌شد.

همچنین عامل کلی دیگر که در آزادی عمل یهودیان در ترویج باورهای خود - از

جمله امور جادویی - می‌توانست مؤثر باشد، روش‌های تسامح‌آمیز حاکمیت‌های اسلامی در مواجهه با ذمیان بود.^۱ یهودیان و دیگر ذمیان به جز در برخی از دوره‌ها و آن هم در موارد معدودی از محدودیت‌ها، که در «شروط عُمریه» خلاصه شده بود، در انجام اعمال و مناسبات فرهنگی خود و حفظ و تداوم فرهنگ درون‌دینی در میان جوامع مسلمان آزاد بودند. همین تسامح اسباب تبادل فرهنگی میان ذمیان و مسلمانان را فراهم می‌آورد. در برخی از مناطق مانند مصر و شام که گروه‌های پرشمارتر یهودیان را از دیرباز در خود جای داده بود، این تعامل جامعه‌ی همبسته‌ای را متشکل از دو گروه یهودی و مسلمان پدید آورده بود که از منظر بیرونی تفاوت عمده‌ای میان سازندگان یهودی یا مسلمان فرهنگ آن دیده نمی‌شد و تفکیک فرهنگی آنها در کلیت به راحتی قابل تشخیص نبود. به نظر می‌رسد دربارهای برخی شاخص‌های فرهنگی کهن، الگوهای ریشه‌دار بومی و محلی بسیار قدرتمندتر از احکام و قوانین موضوعه متأخر بوده و حتی قادر بودند تفاوت‌های شریع را در کلیت فراگیرتر خود جذب و هضم کنند. یکی از ساحت‌های اصلی این سازواری و تعامل کلی در باورهای پیشااسلامی مشترک گروه‌های عامی مردم دربارهای امور جادویی و طلسمات و متعلقات آن ظهور می‌یافت؛ با این تفاوت که مسلمانان در حالی که در باور به این امور تفاوتی با یهودیان نداشتند، اما در اقدام به سحر و جادو همیشه چندین گام عقب‌تر از یهودیان بودند. دلایل مختلفی از جمله تعیین مجازات و تحذیر شدیداللعن در اسلام و مذاهب مختلف اسلامی برای اقدام به سحر و همچنین باور جامعه به این که یهودیان در این امور تبحر و مهارت بیشتری دارند، عملاً عرصه را برای فعالیت یهودیان مهیا ساخته بود. گو این که برخی از پژوهشگران^۲ نیز بر این باور کلی تأکید دارند که سرچشمه‌ها و مآخذ اصلی سنت طلسماتی اسلامی دو منبع عمده‌ی گنوسی و یهودی بوده است. این سهم عمده‌ی یهودیان در تثبیت و رواج سنت‌های جادویی در منابع اسلامی نیز بازتاب داشته و نشان‌دهنده‌ی تصورات مسلمانان از این جایگاه بوده است.

1. Lewis, Bernard, (1984), *The Jews of Islam*, Princeton & New Jersey: Princeton University Press, pp. 6-7.

۲. «افسون‌ها و تعاویذ...»، ص. ۸۵، ۹۱.

۴. بازتاب سنت سحر یهودی در منابع اسلامی

در منابع متعدد اسلامی، مکرراً به تصورات مسلمانان درباره‌ی سنت سحر یهودی و نیز جایگاه معتبر آنان در میان مسلمانان در زمینه‌ی تسلط و شناخت و اعتبار سنت‌های جادویی اشاره شده است که می‌توان آن را از مناسبتی که به این جایگاه در زمان پیامبر (ص) تا دوره‌های بعدی در منابع متأخرتر پرداخته‌اند، مورد رهگیری قرار داد. مشهورترین روایت درباره‌ی فعالیت‌های ساحران یهودی در قلمرو اسلامی مربوط به سحر لبید بن اعصم یهودی و ام‌عبدالله یهودیه در حق پیامبر اسلام است که به روایت منابع اولیه آنها بر یازده گره زرد و قرمز سحری دمیدند و درون چاهی به نام ذی‌اروان پنهان کردند و پس از آن پیامبر تا مدت کوتاهی تا لحظه‌ای که جبرئیل سوره‌های معوذتین (فلق و ناس) را برای رفع بلا و تعویذ حضرت فرودآورد بیمار شده و قدرت تکلم و شنیدن و دیدن و دیگر حواس خود را از دست داده بودند.^۱ بر اساس روایات کتب مختلف تفسیر درباره شأن نزول سوره‌های معوذتین، به نظر می‌رسد این روایت در فرهنگ مسلمانان متقدم فهمی رایج بوده است. در این ماجرا گفته می‌شود که پیامبر دستور داد چاه آب را پس از تخلیه آن با خاک پر کردند و ذمی ساحر را بخشید. بر همین اساس در برخی مجامع حدیثی بابتی

۱. قرآن، سوره‌های فلک و ناس؛ بیهقی، احمد بن حسین، (۱۹۸۵/۱۴۰۵)، *دلایل النبوة*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج. ۶، ص. ۲۴۸؛ ابن سعد، (۱۹۶۰)، *الطبقات الکبری*، ج. ۲، بیروت: دار صادر، ص. ۱۹۸؛ ابن جوزی، (۱۹۸۷/۱۴۰۷)، *زاد المسیر*، ج. ۸، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر، ص. ۳۳۲؛ سمعانی، منصور بن محمد، (۱۹۹۷/۱۴۱۸)، *تفسیر*، ج. ۶، ریاض: دارالوطن، ص. ۳۰۷؛ مقاتل بن سلیمان، (۲۰۰۳/۱۴۲۴)، *تفسیر*، ج. ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص. ۵۳۷؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۹۸۶/۱۴۰۷)، *البدایة و النهایة*، ج. ۶، بیروت: دارالفکر، ص. ۲۳۷، ۳۹؛ فرات بن ابراهیم کوفی، (۱۴۱۰)، *تفسیر فرات کوفی*، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، مؤسسه الطباعة و النشر، ص. ۶۲۰-۶۲۱؛ ابن حیون، نعمان بن محمد (قاضی نعمان)، (۱۳۸۵)، *دعائم الاسلام*، ج. ۲، قم: مؤسسه آل‌البیته لاحیاء التراث، ص. ۱۳۸-۱۳۹؛ ابن عبدربه، (۱۴۰۴)، *العقد الفرید*، ج. ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص. ۳۰۶؛ نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج. ۱۳، قم: مؤسسه آل‌البیته لاحیاء التراث، ص. ۱۰۷-۱۰۸؛ با این همه بسیاری از مفسران معوذتین را از سور مکی می‌دانند. در برخی منابع متقدم هم فقط به کاهش دید و نوعی فراموشی اشاره شده است و منابع شیعی هم به کلی این روایات را مجعول و فاقد ارزش می‌دانند.

ذیل عنوان «هل یعنی عن الذمی اذا سحر»^۱ پدید آمد. ظاهراً چنین بابی حاکی از تداوم اشتغال به این امور در میان ذمیان بوده است، چنان که دیگر روایات تاریخی هم مؤید همین مطلب است. در میان یهودیان یثرب شایع بود که آنها پیامبر و مسلمانان مهاجر را به منظور جلوگیری از زاد و ولد طلسم کرده بودند، مدت‌ها مهاجران صاحب فرزند نمی‌شدند تا این که تولد نخستین نوزاد - عبدالله بن زبیر - این طلسم را شکست و یهود ناامید شدند.^۲ همچنین در میان مسلمانان شهرت داشت که یهودیان معتقدند ملک سلیمان به جهت جادوگری و به مدد جبرائیل و میکائیل پدید آمده و در برخی از تفاسیر مربوط به آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ سوره‌ی بقره نیز گروهی که مردم را سحر می‌آموزند و فنون جادوگری را خریداری می‌کنند یهودیان معرفی شده‌اند.^۳ بر اساس رویکرد تاریخ فرهنگی، همه‌ی این روایت‌های منابع اسلامی فراتر از صدق یا عدم صدق آن، نشان از معنای به‌هم‌بسته‌ی طلسمات و یهودیان در نظام معنایی فرهنگ مسلمانان دارد.

در منابع اسلامی همچنین روایاتی درباره فعالیت‌های مبتنی بر «صورتگری» جادوگران یهودی در قلمرو اسلام به دست رسیده که حاکی از تصورات فرهنگی جامعه مسلمانان از فعالیت‌های جادوگران یهودی است. در واقع می‌توان متون و منابع و روایات موجود در آنها را نشانه‌ای از باورهای فرهنگی رایج در هر دوره دانست. ظاهر برخی از این روایات گاه به لحاظ عقلی و قواعد ساده‌ی علی و معلولی باورپذیر نیست، اما بیش از آن که بخواهیم از آنها حقیقتی را پی‌جویی کنیم، با این رویکرد فرهنگی به منابع اسلامی، می‌توان تصورات مسلمانان و فضای فرهنگی آن دوره‌ها را بر اساس این روایات بازسازی کرد.

۱. ابن حجر عسقلانی، (بی‌تا)، فتح الباری، ج. ۶، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، ص. ۱۸۵؛ عینی، بدرالدین ابومحمد محمود بن احمد، (بی‌تا)، عمده القاری، ج. ۱۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص. ۹۷.
۲. ابوهلال عسکری، (۱۴۰۸)، الاوائل، طنطا: دارالبشیر، ص. ۲۲۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج. ۲۸، ص. ۱۵۵.
۳. و لقد علموا لمن اشتراه ما له فی الاخره من خلاق. ر.ک.: بیضاوی، (۱۴۱۰/۱۹۹۰)، تفسیر، ج. ۱، بیروت: دارالفکر، ص. ۳۷۴؛ فیروزآبادی، مجدالدین، (بی‌تا)، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص. ۱۵؛ ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸)، تفسیر، ج. ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص. ۲۸۶؛ التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ص. ۴۷۱-۴۷۲.

این روایات نشان می‌دهد که جادوگران و طلسم‌کاران یهودی برای اجرای مقاصد جادویی خود از ابزار تصویر استفاده می‌کرده‌اند و صورتگری چه به شکل مسطح (بر روی کاغذ، چرم یا دیگر سطوح) و چه به صورت مجسمه از ابزارهای اصلی کار آنها بوده است. برای نمونه مسعودی (در گذشته‌ی ۳۴۵ ق.)^۱ به یکی از قدیم‌ترین این اقدامات در زمان خلافت عثمان اشاره کرده است. بنا به روایت او، در زمان خلیفه‌ی سوم در مسجد کوفه در حضور ولید بن عقبه ساحری یهودی به نام زراره نمایش عجیبی با استفاده از فنون سحر ترتیب داد، به گونه‌ای که شتر بزرگی را بر اسبی نشانند که در صحن مسجد می‌دوید. پس از آن خود یهودی هم شتری شد که روی بند راه می‌رفت، آنگاه الاغی را پدید آورد که یهودی از دهانش وارد شد و از مخرجش بیرون آمد و الی آخر. این نمایش چنان وهم‌انگیز بود که یکی از مسلمانان با شمشیر یهودی را کشت و گفت اگر اکنون قادر است خودش را زنده کند! این ماجرا به عنوان یکی از مطاعن عثمان و یکی از دلایل اعتراض مسلمانان علیه وی ذکر شده است که از اهمیت فراوانی در تاریخ فرهنگی مسلمانان برخوردار است.

روایت دیگری که حاکی از مساهمت یهودیان در صورتگری جادویی است در دلایل الامامه^۲ طبری و پس از آن در الاختصاص^۳ شیخ مفید (در گذشته‌ی ۴۱۳ ق.) آمده است. جزئیات این خبر به این شکل مضبوط است که «روزی منصور خلیفه عباسی جمعی از ساحران اهل کابل را گرد آورد و به آنها گفت: همان طور که شما از پدرانتان در ایام موسی سحر آموخته‌اید و با آن میان زنان و شوهران اختلاف می‌افکنید، در میان ما هم شخصی به نام ابوعبدالله جعفر بن محمد هست که از فنون شما آگاه است؛ اکنون سحری در کار آرید و در صورت پیروزی جایزه‌ای بزرگ دریافت دارید. ساحران یهودی هفتاد

۱. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹)، مروج الذهب، ج. ۲، تحقیق اسعد داغر، قم: موسسه دارالهجره، ص. ۳۳۹.

۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۳ ق.)، دلائل الامامه، قم: دارالذخائر المطبوعات، ص. ۲۹۹-۳۰۰.

۳. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الاختصاص، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمود زرنندی محرمی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ مفید، ص. ۳۶۸.

صورت از اشکال حیوانات درنده خلق کردند و هر جادوگر کنار تصویری که ساخته بود نشست. سپس امام صادق را به جلسه دعوت کردند، امام اذکار و اورادی را گاه زیر لب و گاه به صدایی بلندتر خواند و سرانجام با صدای بلند فرمود: قسورۃ خذهم!! که با این فرمان هر حیوان درنده‌ای که در تصویر بود به صاحبش حمله کرد و به این ترتیب بازار ساحران شکست.» با این که این روایت به سختی باورپذیر است، دست‌کم نشان می‌دهد که معاصران طبری و شیخ مفید بر این باور بوده‌اند که ساحران یهودی می‌توانند با استفاده از تصاویر حیوانات کارهای خارق‌العاده انجام دهند. شهرستانی در *الملل و النحل*^۱ نیز ذیل فرقه‌ی عیسویه از به‌کارگیری طلسم در میان سپاهیان یهودی ابوعیسی اسحق بن یعقوب در مقابل سپاه منصور عباسی حکایت کرده است.

در برخی از منابع به برخی دیگر از باورهای رایج در میان یهودیان در باب استفاده‌ی جادویی از تصاویر به دست موسی اشاره شده که همگی در شکل‌گیری سنت یهودی طلسمات مصور مؤثر بوده است. برای مثال، بیرونی^۲ یکی از باورهای رایج یهودیان را چنین تشریح کرده است که در زمان مهاجرت موسی و بنی‌اسرائیل از مصر، موسی خواست تابوت یوسف نبی را که در قعر نیل دفن بود خارج سازد و بنا بر وصیت یوسف او را هم با خود از مصر خارج کند. برای این منظور بر تکه کاغذی (!) تصویری شبیه ماهی ترسیم کرد و بر آب افکند، مدتی طول کشید و اتفاقی نیفتاد، در این بین موسای کم‌صبر مشغول کشیدن نقش گوساله‌ای بر کاغذ شد تا مگر با کمک این تصویر دوم تابوت را بیرون کشد که در همین اثنا نقش ماهی مأموریتش را انجام داد و تابوت یوسف بر آب ظاهر شد. بعدها یهودیان که پنداشته بودند موسی تصویر گوساله را از ماهی قوی‌تر و مؤثرتر می‌دانسته به ساختن تمثال گوساله‌ی سامری اقدام کردند!

مسعودی در *مروج الذهب*^۳ ذیل مصر و عجایب آن درباره‌ی بنی‌اسرائیل ساکن در مصر

۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۹۹۸)، *الملل و النحل*، ج. ۱، چاپ محمد سید گیلانی، بیروت: دارالمعرفه، ص. ۶۱۶.

۲. بیرونی، ابوریحان، (۱۴۲۲)، *الآثار الباقیه عن القرون الخالیة*، تهران: میراث مکتوب، ص. ۳۴۲-۳۴۳.

۳. *مروج الذهب*، ج. ۱، ص. ۳۹۸-۴۰۳.

پس از موسی نوشته است که یهودیان پس از موسی جادو را به کمال رساندند و طلسم‌خانه‌های متعددی ساختند که در آن مملو از تصاویر و تماثیل بود. به نوشته‌ی مسعودی، یهودیان مصر حتی برای در هم شکستن قدرت دشمنان و سپاهانی که از اطراف از سمت حجاز یا یمن یا شام و مغرب به سمت مصر روان می‌شدند راهکارهای جادویی به کار می‌بستند. آنها تصاویری از دشمنان را سوار بر مرکب‌هایشان و حتی تصویر کشتی‌هایی را که از راه دریا به سمت مصر می‌آمدند در این طلسم‌خانه‌ها تهیه می‌کردند و هنگامی که سپاه به راه می‌افتاد این جادوگران با سوزن‌هایی مخصوص و با خواندن اوراد و اذکاری چشم حیوانات مصور را کور می‌کردند و چنان این جادو قوی بود که از راه دور چشم‌های شتران و اسبهای سپاهیان کور می‌شد.^۱ ذکر این طلسم‌خانه‌ها را ابن‌خلدون نیز به نقل از ابن‌عبدالحمک آورده و نوشته است که مصریان پس از موسی در زمان پادشاهی ملکه‌ای به نام دلوکه در علم طلسمات پیش رفتند و این سنت تا دوران اسلامی هم بر جای ماند و اگر شمشیر مخالفت شریعت اسلام بر سرشان نبود بیش از این هم می‌توانستند رشد کنند.^۲ این طلسم‌خانه‌ها تا زمان یاقوت حموی (درگذشته‌ی ۶۲۶ ق.) همچنان بر جای بوده و او از مشهورترین آنها در شهرهای اَنْصِنَا، بَهْنَسَا و دَنْدَرَه در صعید مصر یاد کرده است.^۳ این نوع از جادو که در طلسم‌خانه‌های مصری رایج بود به جادوی انطباقی (تقلیدی)^۴ شهرت دارد که به ویژه در میان یهودیان برای آسیب رساندن به افراد با اهداف

۱. همان، ص. ۳۹۸.

۲. تاریخ (دیوان‌المبتداء والخبر...)، ج. ۱، ص. ۶۳۱؛ ج. ۲، ص. ۸۶.

۳. یاقوت حموی، (۱۹۹۵)، معجم البلدان، ج. ۱، بیروت: دار صادر، ص. ۲۶۵، ۵۱۷؛ ج. ۲، ص. ۴۷۸؛ در اسکندریه هم تماثیل رازآمیزی وجود داشته که پیرامون آنها اعتقادات شگفتی در میان مردمان رایج بوده است (نوری، احمد بن عبدالوهاب، (بی‌تا)، نهاییه‌الارب، ج. ۱، قاهره: وزارة الثقافة والإرشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة، ص. ۳۹۵-۳۹۶).

۴. جادوی انطباقی بر اصل شباهت و تطبیق بین موجود و تصویرش استوار است. به این ترتیب که تصویری از فرد مورد نظر روی کاغذ ترسیم و عملیات جادویی را روی آن تصویر اجرا می‌کردند. ظاهراً این روش حتی در میان انسان‌های ابتدایی هم رواج داشته است. برخی پژوهشگران ادیان ابتدایی از نوعی جادو به نام جادوی همیوپاتیک یاد کرده‌اند که بر اساس قانون شباهت شکل می‌گرفته است. به این صورت که اقوام ابتدایی برای سهولت در امر شکار یا تکثیر و زاد و ولد حیوانات، تصاویر آنها را ترسیم می‌کرده و طی آیین‌هایی تقاضاهای خود را بر آن تصاویر عرضه می‌داشتند.

معین بسیار رایج بوده است و نشان از تداوم باور مسلمانان به اعتبار و تبحر یهودیان در به‌کارگیری طلسمات تصویری در فرهنگ اسلامی دارد. در یک نمونه‌ی دیگر، جادوی انطباقی به این شکل بوده که بر روی برگ یا کاغذی تصویر شخص مورد نظر را رسم می‌کرده‌اند و آن را به صورت واژگون از دیوار آویزان می‌کردند و بعد از خواندن اورادی، سوزنی آهنی را در آتش سرخ کرده و درون قلب تصویر فرو می‌بردند و قصد می‌کردند که خواب از چشم فرد مورد نظر بیرون شود. اعتقاد بر این بود که تا وقتی سوزن در تصویر باقی بماند آن شخص بی‌خواب و خوراک و بیمار می‌ماند.^۱

به نوشته‌ی ابن خلدون^۲ بازار طلسم و سحر از روزگاران کهن در بابل و مصر پررونق بوده و تا زمان معاصر او همچنان پابرجا بوده است و به تعبیر او از همین روست که معجزات موسی (ع) در معارضه و مقابله با ساحران از سنخ همان امور بوده است. به گزارش ابن خلدون، ساحران یهودی معاصر وی عموماً برای پیشبرد اهداف خود و دخل و تصرف در زندگی فرد معینی تصویری به نیت او ترسیم می‌کرده‌اند و مقابل خود می‌افراشته‌اند و برای القا به آن شخص مسحور با تصویر وی سخن می‌گفته‌اند.^۳ یکی از شایع‌ترین طلسم‌ها - چنان که پیش‌تر هم اشاره شد - طلسم محبت بوده که برای ایجاد مودت میان دو نفر به ویژه مرد و زن برمی‌ساخته‌اند و میان اصحاب طلسمات از مسلمان و یهودی رایج بوده است.^۴ بر اساس برخی از روایات، یهودیان در برخی از اعیاد خود تمثال‌هایی را به جای شخصیت‌های منفور خود می‌ساختند، برای مثال بیرونی^۵ از عید

1. Hastings, James, (1908-1926), 'Charms and Amulets', *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, Toronto, p. 134; Zeilabi, Negar, 'Talismans and Figural Representation in Islam: a Cultural History of Images and Magic', *British Journal of Middle Eastern Studies*, Published online in 27th Dec. 2017, at: <https://doi.org/10.1080/13530194.2017.1410466>, p. 12-14.

نیز، ر.ک.: ذیلابی، نگار، «پیوند صورتگری و طلسمات در اسلام»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، س. ۱۲، ش.

۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص. ۱۵.

۲. *تاریخ (دیوان المبتداء والخبر...)*، ج. ۱، ص. ۶۵۸.

۳. همان.

۴. همان.

۵. *الآثار الباقية*، ص. ۳۴۷؛ نیز ر.ک.: قلقشندی، ابوالعباس، (۱۹۸۷/۱۴۰۷)، *صبح الاعشى فی صناعة*

الانشاء، ج. ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص. ۴۶۶.

المجله یا «هامان سور» در میان یهودیان یاد کرده که در آن تمثال هامان را می‌زنند و به آتش می‌کشند. اطلاعاتی که نویری در *نهایة الارب*^۱ در وصف سرزمین مصر و عقاید و باورهای یهودیان مصر در باب تصاویر به دست داده نیز حاکی از ملازمت معنایی صورتگری و سحر و پیوند آن با قوم یهود بوده است.

علاوه بر بدبینی‌های سنتی در میان مسلمانان نسبت به یهودیان و شیوع باورهایی از این دست که یهودیان به امنیت و آرامش مسلمانان رشک می‌برند و همواره در صدد خدشه وارد کردن به این آرامش هستند،^۲ گروه‌های از مسلمانان متشرع و به ویژه فقها و بزرگان دینی همواره از آمیختگی جامعه‌ی اسلامی با این گروه‌زمیان و تأثیرپذیری از سنت‌های مرسوم در میان آنها بیم داشتند. قوانین موسوم به شروط عمریه و افزوده‌های آن در سده‌های بعد همواره تلاشی برای ایجاد حد فاصل میان مسلمانان و زمین بود. برای مثال، درباره‌ی تشدید سخت‌گیری بر اهل ذمه در دوره‌ی متوکل عباسی در برخی از روایات مربوط به سال ۲۳۵ ق. آمده است که خلیفه اهل ذمه را به رعایت قوانین سختی چون پوشیدن غیار و نصب تمثال‌های چوبی با نقوش شیاطین بر در خانه‌هایشان الزام کرده بود.^۳ به نظر می‌رسد نصب این مجسمه‌ها، علاوه بر ایجاد تمایز میان خانه‌های مسلمین از یهودیان و مسیحیان، احتمالاً هشدار و اعلانی به مسلمانان بوده که اشتغال به ساختن تماثیل را کاری شیطانی و مختص اهل ذمه معرفی می‌کرده و آنها را از نزدیک شدن به این امور بر حذر می‌داشته است. با این همه، سنت‌های یهودی جادوگری به شکل فراگیری بر سنت‌های جادویی اسلامی تأثیر نهاده است.^۴

۱. *نهایة الارب*، ج. ۱، ص. ۳۹۵-۳۹۶؛ ج. ۱۵، ص. ۴، ۲۹، ۴۸، ۵۹، ۶۵، ۹۲-۹۳.

۲. خطیب بغدادی، (۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد*، ج. ۲۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص. ۹۸، ۴۰۲؛ *تاریخ مدینة دمشق*، ج. ۳، ص. ۹.

۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی‌تا)، *تاریخ*، ج. ۲، بیروت، ص. ۴۸۷.

۴. شائول شاکد در مقاله‌ای با بررسی متون جادویی یهودی به عبری یا عربی که در سده‌های اول اسلامی پدید آمده‌اند و مقایسه‌ی آنها با متون جادویی اسلامی در همین دوران، شواهدی درباره‌ی تأثیرات متقابل این دو سنت بر یکدیگر ارائه کرده است:

بر اساس داده‌های فوق، چنین استنباط می‌شود که یکی از شاخه‌های فعالیت‌های یهودیان ذمی ساکن در سرزمین‌های اسلامی حضور و اشتغال در عرصه‌هایی بوده که طبق شریعت اسلامی برای مسلمانان منع شده بودند. اشتغال به تجارت کالاهای ممنوعه (مثل تجارت شراب و انواع مسکرات)^۱؛ فعالیت در صرافی و جهیزه^۲ (به سبب حرمت ربا در اسلام) و همین‌طور پرداختن به امور سحر و طلسمات از عرصه‌های مورد علاقه‌ی یهودیان بود. این عرصه‌های ممنوع عملاً به سبب وجود زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مساعد و اقبال عامه‌ی مسلمانان و حتی احساس نیاز به این مشاغل در میان ذمیان طرفداران زیادی داشت و اتفاقاً از مشاغل سرشار از سود و ثروت به حساب می‌آمد. در واقع، در فرهنگ جوامع اسلامی، باور به انواع سحر و طلسمات و دخالت امور ماوراءالطبیعی در سرنوشت انسان به عنوان باوری شایع و فراگیر وجود داشت، اما مسلمانان همواره با مانع نهی و تحذیر شرعی درباره‌ی اشتغال به این امور مواجه بودند و نمی‌توانستند به شکلی آشکار در این حوزه‌ها فعالیت کنند. موقعیت‌هایی از این دست فرصت‌های شغلی پردرآمدی برای ذمیان فراهم می‌آورد و حاکمیت‌های اسلامی و نهادهایی چون حسبه هم با این گروه‌ها با تسامح بیشتری رفتار می‌کردند و عملاً موانع جدی برای کسب و کار آنها وجود نداشت.

همچنین بر اساس داده‌های ارائه‌شده در منابع یهودی و اسلامی این حقیقت آشکار می‌شود که یکی از عمده‌ترین زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی فهم صورت‌گیری، اعم از تصویرگری بر سطح و نیز تصاویر سه‌بعدی مثل مجسمه‌سازی و دیگر انواع نقوش انسانی و حیوانی، زمینه‌ای جادویی بوده و گروه‌های یهودیان از سنتی دیرینه در این زمینه برخوردار

Shaked, Shaul, (2000), 'Medieval Jewish Magic in Relation to Islam: Theoretical Attitudes and Genres', in *Judaism and Islam: Boundaries, Communications and Interactions*, William M. Brinner and others, Brill, pp. 97-109.

در مجموعه‌هایی که از اسناد جنیزه جمع‌آوری و تدوین شده نیز شواهدی دال بر تأثیرات متقابل امور جادویی یهودی و اسلامی دیده می‌شود. برای نمونه، رک.:

'Taylor-Schechter Genizah Collection of Materials from the Cairo Genizah at the Cambridge University Library', in: www.lib.cam.ac.uk/Taylor-Schechter/bo1.html.

۱. علاوه بر یهودیان، مسیحیان هم در این قسم از تجارت شهرت داشتند.

۲. رک.: ذیلایی، نگار، «جهیزه»، *دانشنامه جهان اسلام*.

بوده و عملاً مهم‌ترین و معروف‌ترین مروجان این سنت جادویی مبتنی بر تصویرگری بوده‌اند. به نظر می‌رسد مردمانی که در سده‌های میانه در این سرزمین‌ها می‌زیسته‌اند مفهوم تصویر، نقش و مجسمه و به طور کلی صورتگری را در زمینه‌ای جادویی و به ویژه مرتبط با طلسمات می‌فهمیده‌اند و در این زمینه مفهومی کاربردهای دیگر تصاویر از جمله کاربرد زیبایی‌شناختی و تزئینی، اگر نگوییم غایب بوده، دست‌کم بسیار ضعیف و حاشیه‌ای بوده است. به نظر می‌رسد تداوم احکام مربوط به حرمت تصویرگری در اسلام به مبحث طلسمات مصور و همچنین اشتباه یهودیان به تصویرگری‌های جادویی هم مرتبط بوده است. در واقع می‌توان گفت وقتی تلقی رایج درباره‌ی صورتگری فهمی جادویی و سحرآمیز بوده و در این امر هم بیشتر گروه‌های ذمی از جمله یهودیان فعالیت داشته‌اند، اسلام بر اساس مبنای نهی از فعالیت‌های ساحرانه و تحریم سحر و طلسم مسلمانان را از پرداختن به صورتگری برحذر داشته و در ضمن از نزدیک شدن به گروه‌های یهودی مرتبط با این فعالیت‌ها نهی کرده است.

نتیجه‌گیری

یهودیان ساکن در منطقه‌ی جغرافیایی بین‌النهرین و فلسطین و عراق و نواحی همجوار - مسبوق به سابقه‌ای کهن - در سحر و انواع مختلف فنون و روش‌های آن مهارت داشتند. از انواع مختلف سحر، طلسمات در جوامع یهودی و مسلمان رواج بیشتری داشت و پایه و اساس اصلی آن را تصاویر انسانی و حیوانی شکل می‌داد. در این نوشتار، بر اساس منابع متقدم یهودی و منابع اسلامی، ریشه‌ها و اشکال طلسمات مصور در فرهنگ یهودی نشان از تداوم سنت‌های فرهنگی‌ای است که در جغرافیای شرق باستان قبل از گسترش ادیان مسیحی و اسلام رایج بوده‌اند و از آنجا که جادو و سحر بخشی از دانش عملی مبتنی بر جهان‌بینی طبیعت‌باورانه مردمان بوده، ظهور و گسترش این ادیان نیز نتوانست باورهای عامیانه‌ی پیروان آنان را تغییر دهد. به همین روی جادو و طلسمات به مثابه‌ی امری مطرود از سوی متولیان شریعت با توجه به زمینه‌های اجتماعی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی معین، بیشتر در معنایی الصافی برای پیروان اقلیت‌های دینی مانند یهودیت کاربرد و تداوم

| ریشه‌ها و اشکال طلسمات مصور در فرهنگ اقلیت‌های یهودی و بازتاب آن در ... | ۴۹

یافت.

در حاشیه‌ی این پژوهش فرضیه‌ای برای پژوهشی دیگر قابل طرح است، بدین شرح که شاید اشتهار یهودیان به فن طلسمات مصور در حرمت صورتگری در اسلام و نهی و تحذیر شارع از پرداختن به این کار مؤثر افتاده باشد، که پژوهشی مستقل می‌طلبد.

منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: موسسه المنشورات الاسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- ابن جوزی، (۱۹۸۷/۱۴۰۷)، *زاد المسیر*، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر.
- ابن حجر عسقلانی، (بی تا)، *فتح الباری*، بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (قاضی نعمان)، (۱۳۸۵)، *دعائم الاسلام*، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، *تاریخ (دیوان المبتداء و الخیر...)*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
- ابن سعد، (۱۹۶۰)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.
- ابن عدریه، (۱۴۰۴)، *العقد الفرید*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عساکر، (۱۴۱۵)، *تاریخ مدینه دمشق*، چاپ علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۹۸۶/۱۴۰۷)، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر.
- ابوهلال عسکری، (۱۴۰۸)، *الاوائل*، طنطا: دارالبشیر.
- بخاری، (۱۹۸۱/۱۴۰۱)، *صحیح*، چاپ افست استانبول.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۴۲۲)، *الآثار الباقیه عن القرون الخالیه*، تهران: میراث مکتوب.
- بیضاوی، (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، *تفسیر*، بیروت: دارالفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین، (۱۹۸۵/۱۴۰۵)، *دلایل النبوه*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- *تفسیر المنسوب الی الامام العسکری*، (۱۴۰۹)، چاپ سید محمدباقر الموحد الابطحی، قم: مدرسه الامام مهدی (ع).
- تناولی، پرویز، (۱۳۸۵)، *طلسم، گرافیک سنتی ایران*، تهران: بن گاه.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸)، *تفسیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خطیب بغدادی، (۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذیلابی، نگار، «پیوند صورتگری و طلسمات در اسلام»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، س. ۱۲، ش. ۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص. ۳-۲۸.
- ذیلابی، نگار، «جهبذ»، *دانشنامه جهان اسلام*.

ریشه‌ها و اشکال طلسمات مصور در فرهنگ اقلیت‌های یهودی و بازتاب آن در ... | ۵۱

- رفیع فر، جلال‌الدین، ملک، مهران، «آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت (هزاره‌ی سوم قبل از میلاد)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ش. ۴.
- روسکا و دیگران، (۱۳۸۷)، «طلسم در فرهنگ عربی و اسلامی»، در: دوازده+یک، ابراهیم موسی‌پور، تهران: کتاب مرجع.
- سمعانی، منصور بن محمد، (۱۹۹۷/۱۴۱۸)، تفسیر، ریاض: دارالوطن.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۹۹۸)، الملل و النحل، چاپ محمد سید گیلانی، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۳ ق.)، دلائل الامامة، قم: دارالذخائر المطبوعات.
- عینی، بدرالدین ابومحمد محمود بن احمد، (بی‌تا)، عمده القاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرات بن ابراهیم کوفی، (۱۴۱۰)، تفسیر فرات کوفی، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، مؤسسة الطباعة و النشر.
- فیروزآبادی، مجدالدین، (بی‌تا)، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قلقشندی، ابوالعباس، (۱۹۸۷/۱۴۰۷)، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کارا د وو، بی.، (۱۳۸۷)، «افسون‌ها و تعاویذ در فرهنگ عربی و اسلامی»، در: دوازده+یک، ابراهیم موسی‌پور، تهران: کتاب مرجع.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گل‌سرخ، ایرج، (۱۳۷۷)، تاریخ جادوگری، تهران: علمی.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، (۱۹۹۴/۱۴۱۴)، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی، تحقیق علی محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹)، مروج الذهب، تحقیق اسعد داغر، قم: موسسه دارالهجره.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الاختصاص، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمود زرنندی محرمی، قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ مفید.
- مقاتل بن سلیمان، (۲۰۰۳/۱۴۲۴)، تفسیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مقار، شفیق، (۱۹۹۰)، السحر فی التوراة و العهد القديم، لندن.
- موسی‌پور، ابراهیم، «خمس»، دانشنامه جهان اسلام.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهیة الارب، (بی‌تا)، قاهره: وزارة الثقافة و الإرشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة.

- هاکس، جیمز، (۱۳۷۷)، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر.
- یاقوت حموی، (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، تاریخ، بیروت.
- Betz, Hans Dieter, 'Fragments from a Catabasis Ritual in a Greek Magical Papyrus', *History of Religions*, Vol. 19, No. 4 (May 1980), pp. 287-295.
- Bloom, Maureen, (2007), *Jewish Mysticism and Magic: an Anthropological Perspective*, London & New York: Routledge.
- Bohak, Gideon, (2008), *Ancient Jewish Magic: a History*, Cambridge University Press.
- Dan, Joseph, (2006), *Kabbalah: A Very Short Introduction*, Oxford University Press.
- Deluga, Waldemar, 'Jewish Printed Amulets', *Print Quarterly*, Vol. 20, No. 4 (December 2003), pp. 369-373.
- Doutte, E., (1909), *Magie et Religion dans L'Afrique du Nord*, Algiers.
- Fodor, A., (2004), 'The Rod of Moses in Arabic Magic', in *Magic and Divination in Early Islam*, Emilie Savage-Smith, Ashgate/Variorum.
- Gaster, M. (ed.), (1928), *The Wisdom of the Chaldeans: An Old Hebrew Astrological Text*, in *Studies and Texts in Folklore, Magic, Mediaeval Romance, Hebrew Apocrypha and Samaritan Archaeology*, London, pp. 338-355.
- Greer, John Michael, (1996), *Paths of Wisdom: The Magical Cabala in the Western Tradition*, Minnesota, USA: Llewellyn Publications.
- Hastings, James, (1908-1926), 'Charms and Amulets', *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, Toronto.
- Kass, Alvin, (1978-1982), 'Torah Ornaments', *Encyclopaedia Judaica*, Vol. 9, Jerusalem: Keter Publishing House.
- Kogman-Appel, Katrin, (2004), *Jewish Book Art between Islam and Christianity: The Decoration of Hebrew Bibles in Medieval Spain*, Leiden&Boston: Brill, 2004.
- Kotansky, Roy, 'Two Inscribed Jewish Aramaic Amulets from Syria', *Israel Exploration Journal*, Vol. 41, No. 4 (1991), pp. 267-281.
- Lewis, Bernard, (1984), *The Jews of Islam*, Princeton & New Jersey: Princeton University Press.
- Moscati, Sabatino, (1973), *The World of the Phoenicians*, Translated from the Italian by Alastair Hamilton, London.
- Naveh, Joseph, Shaked, Shaul, (1985), *Amulets and Magic Bowls: Aramaic Incantations of Late Antiquity*, Magnes Press, Hebrew University.
- Sabar, Shalom, 'The Image of Joseph in the Folklore and Art of Sephardi Jews and the Jews in the Lands of Islam', *Journal of the study of the Bible and its World*, Jerusalem, 2010, pp. 169-192.
- Scholem, Gershom, (1962), *Origins of the Kabbalah*, Berlin.
- Schwartz, Dov, (2005), *Studies on Astral Magic in Medieval Jewish Thought*, translated by David Louvish and Batya Stein, Leiden: Brill.
- Shaked, Shaul, (2000), 'Medieval Jewish Magic in Relation to Islam: Theoretical Attitudes and Genres', in *Judaism and Islam: Boundaries, Communications and Interactions*, William M. Brinner and others, Brill.
- Spore, Hans H., 'Notes on Jewish Amulet', *Journal of Biblical Literature*, Vol. 23, No. 2 (1904), pp. 97-105.
- Taylor-Schechter Genizah Collection of Materials from the Cairo Genizah at the Cambridge University Library', in: www.lib.cam.ac.uk/Taylor-Schechter/bo1.html.
- Zambelli, Paola, (2007), *White Magic, Black Magic in the European Renaissance*, Leiden, Boston: Brill.
- Zeilabi, Negar, 'Talismans and Figural Representation in Islam: a Cultural History of Images and Magic', *British Journal of Middle Eastern Studies*, Published online in 27th Dec. 2017, at: <https://doi.org/10.1080/13530194.2017.1410466>.